



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 2, Issue 4, 2024

Towards a More Effective Restorative Justice: A Look at Canada's Experience and Its Application in Iran

Rahmatallah Rezaei*¹

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, University of Payame Noor, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 79-92

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2525-0228

TELL: +989113540139

Email: Rezaei063@gmail.com

Article history:

Received: 28 Jun 2024

Revised: 23 Sep 2024

Accepted: 19 Nov 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Restorative Justice, Iranian Judicial System, Canadian Experience, Criminal Mediation, Criminal Policy.

ABSTRACT

Restorative justice is a modern approach to addressing crime that, instead of focusing on punishment, seeks to repair harm and rebuild relationships among the victim, the offender and the community. This process, through the active participation of all parties involved - especially the victim - aims to heal the suffering and damage caused in a humane and effective manner. Canada's successful experience in implementing restorative justice, particularly in dealing with cultural and Indigenous minorities, has demonstrated that with appropriate frameworks, it is possible to achieve outcomes that both reduce the burden on the judicial system and strengthen the public's sense of justice. Iran's judicial system faces challenges such as a high volume of cases, public dissatisfaction with verdicts and a lack of responsiveness to victims' needs. In such circumstances, adopting successful models like the Canadian approach could open a new horizon for the country's judicial policymakers. This article, using an analytical approach, examines the foundations and mechanisms of restorative justice in Canada and explores its adaptability and application within Iran's legal system. Finally, it offers recommendations for strengthening the necessary infrastructure and policy-making in the direction of justice-oriented reform and rebuilding public trust.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Rezaei, R (2024). "Towards a More Effective Restorative Justice: A Look at Canada's Experience and Its Application in Iran". *Journal of International Criminal Law*, 2(4): 79-92.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

به سوی عدالت ترمیمی کارآمدتر؛ نگاهی به تجربه کانادا و کاربرد آن در ایران

رحمت‌اله رضایی*^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

عدالت ترمیمی رویکردی نوین در برخورد با جرم است که به جای تمرکز بر مجازات، به دنبال جبران آسیب و بازسازی روابط میان بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه می‌باشد. این فرآیند با مشارکت فعال طرفین درگیر در جرم، به‌ویژه بزه‌دیده، تلاش می‌کند تا رنج‌ها و خسارات وارده را به شیوه‌ای انسانی و مؤثر التیام بخشد. تجربه موفق کانادا در پیاده‌سازی عدالت ترمیمی، به‌ویژه در برخورد با اقلیت‌های فرهنگی و بومی، نشان داده است که با فراهم کردن بسترهای مناسب می‌توان به نتایجی رسید که هم از بار قضایی کاسته شود و هم حس عدالت‌خواهی در جامعه تقویت گردد. نظام قضایی ایران نیز با چالش‌هایی مانند حجم بالای پرونده‌ها، ناراضایتی عمومی از احکام صادره و ضعف پاسخ‌دهی به نیازهای بزه‌دیدگان روبه‌روست. در چنین شرایطی، بهره‌گیری از الگوهای موفق، همچون مدل کانادایی، می‌تواند افقی تازه پیش روی سیاست‌گذاران قضایی کشور قرار دهد. این مقاله با رویکردی تحلیلی، ضمن بررسی ارکان و ابزارهای عدالت ترمیمی در کانادا، امکان تطبیق و بهره‌گیری از آن در نظام حقوقی ایران را بررسی می‌کند. در پایان نیز پیشنهادهایی برای تقویت زیرساخت‌ها و سیاست‌گذاری در راستای عدالت‌محوری و بازسازی اعتماد عمومی ارائه خواهد شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۹-۹۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۵۲۵-۰۲۲۸

تلفن: ۰۱۳۹۱۱۳۵۴۰۹۸۹+

ایمیل: Rezaei063@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

عدالت ترمیمی، نظام قضایی ایران، تجربه کانادا، میانجی‌گری کیفری، سیاست‌گذاری کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

در چند دهه اخیر، ناکارآمدی روش‌های سنتی پاسخ به جرم، ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های جنایی را بیش از پیش نمایان کرده است. سیستم‌های مبتنی بر مجازات، اگرچه نقشی در کنترل اجتماعی دارند، اما غالباً در جبران آسیب‌های واقعی بزه‌دیدگان، کاهش احساس بی‌عدالتی و بازپروری مجرمان توفیق چندانی نداشته‌اند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۴). از همین رو، عدالت ترمیمی به‌عنوان الگویی مشارکت‌محور و بزه‌دیده‌مدار، مورد توجه روزافزون جوامع مختلف قرار گرفته است.

عدالت ترمیمی، بیش از آن که صرفاً یک روش جایگزین دادرسی باشد، رویکردی است که به ساختار رابطه‌ای میان افراد درگیر در جرم می‌نگرد و تلاش می‌کند این پیوندها را از نو برقرار سازد. در این فرآیند، بزه‌دیده به‌جای یک عنصر فرعی، به مرکز توجه بازمی‌گردد و احساسات، نیازها و آسیب‌های او به رسمیت شناخته می‌شود (Maxwell & Morris, 2006: 20; Zehr, 2015: 71). همچنین بزه‌کار، به‌جای حذف از جامعه، تشویق می‌شود مسؤولیت رفتار خود را بپذیرد و نقش فعالی در جبران خسارت ایفا کند.

در میان نظام‌های حقوقی موفق، تجربه کانادا از جایگاه ممتازی برخوردار است. این کشور توانسته است با بهره‌گیری از مدل‌های مختلف، از میانجی‌گری کیفری گرفته تا پرداخت معوضه به بزه‌دیدگان، ساختاری نسبتاً جامع برای عدالت ترمیمی ایجاد کند (Waller, 2010: 1; Johnstone & Van Ness, 2007: 2). حضور اقوام بومی و سوابق تاریخی ظلم ساختاری علیه آنان، دولت کانادا را بر آن داشت تا سیاستی مبتنی بر ترمیم، مصالحه و جبران تدوین کند (Truth and Reconciliation Commission of Canada, 2015).

در نقطه مقابل، نظام حقوقی ایران با چالش‌هایی نظیر تراکم پرونده‌ها، طولانی‌شدن روند رسیدگی‌ها و شکاف میان بزه‌دیدگان و فرآیندهای قضایی مواجه است، گرچه نهادهایی همچون شوراهای حل اختلاف یا تأکید بر رضایت در برخی جرایم، شباهت‌هایی به مفاهیم ترمیمی دارند، اما نبود چهارچوب قانونی یکپارچه، نظارت مؤثر و آموزش تخصصی،

مانع از بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت‌های بومی شده است (غلامی، ۱۳۹۳: ۲۱؛ زهر، ۱۳۸۳: ۱۹).

مقاله حاضر با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، ضمن تبیین ابعاد گوناگون عدالت ترمیمی در نظام حقوقی کانادا، به بررسی امکان بهره‌گیری از آن در ایران می‌پردازد و پیشنهادهایی را برای بومی‌سازی این الگو در بستر حقوقی، فرهنگی و اجتماعی کشور مطرح می‌کند.

۱- گرانیکاه موضوعی

عدالت ترمیمی، بیش و پیش از آن که صرفاً یک جایگزین برای دادرسی کیفری باشد، نمایانگر نگرشی بنیادین به چستی «عدالت» و شیوه‌های تحقق آن در جامعه است. این رویکرد بر احیای روابط انسانی آسیب‌دیده و بازسازی پیوندهای اخلاقی و اجتماعی تأکید دارد. برخلاف عدالت کیفری سنتی که اغلب رابطه‌ای دوگانه و تقابلی میان دولت و مجرم تعریف می‌کند، عدالت ترمیمی تلاش می‌کند تا بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه را به‌عنوان اضلاع اصلی فرآیند پاسخ‌دهی به جرم، درگیر سازد (Zehr, 2015: 5; Johnstone & Van Ness, 2007: 3).

یکی از محورهای اصلی در عدالت ترمیمی، پاسخگویی به نیازهای واقعی بزه‌دیدگان است؛ نه فقط در سطح مادی، بلکه در لایه‌های عمیق‌تری مانند احساس عدالت، شنیده‌شدن، کرامت انسانی و اعتماد دوباره به نظم اجتماعی. در چنین مدلی، التیام روانی بزه‌دیده و پذیرش مسؤولیت از سوی بزه‌کار، جایگزین رویکردهای صرفاً تنبیهی می‌شود (Maxwell & Morris, 2006: 73؛ غلامی، ۱۳۹۳: ۳۰).

از این منظر، عدالت ترمیمی نه یک گزینه فرعی، بلکه ضرورت انکارناپذیر نظام‌های حقوقی معاصر است، به‌ویژه در کشورهایی که نظام دادرسی سنتی در پاسخ به پیچیدگی‌های اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه شده است. در ایران نیز، نارضایتی از روند طولانی دادرسی، بی‌اعتمادی برخی بزه‌دیدگان به فرآیندهای قضایی و احساس بی‌پناهی در برابر آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از جرم، نشانه‌هایی است از فاصله میان عدالت موجود و عدالت مطلوب (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۳؛ زهر، ۱۳۸۳: ۳۳).

روش‌های نوین چون داوری آنلاین و کمک‌های قضایی زودبازده، توانسته است عدالت را هم قابل‌دسترس‌تر و هم زمانمندتر کند (Katsh & Rabinovich-Einy, 2017: 56).

۱-۲- داوری آنلاین: ابزار فناوری محور در خدمت ترمیم عدالت
در عصر فناوری‌های دیجیتال، استفاده از بسترهای آنلاین برای حل و فصل اختلافات به‌ویژه در بستر عدالت ترمیمی، جایگاه ویژه‌ای یافته است. در نظام حقوقی کانادا، داوری آنلاین^۱ نه تنها برای دعاوی مدنی، بلکه در بسیاری از پرونده‌های کیفری قابل صلح نیز به کار گرفته می‌شود. این روش امکان گفتگوی مستقیم میان بزه‌دیده و بزه‌کار را از طریق پلتفرم‌های ویدئوکنفرانس، پیام‌رسان‌های امن یا سامانه‌های مستقل حل اختلاف فراهم می‌سازد (Lo, 2020: 85)، نتیجه آن، دسترسی ساده‌تر به عدالت، کاهش بار دادگاه‌ها و افزایش رضایت بزه‌دیدگان از فرآیند رسیدگی است.

تجربه ایران در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ نیز نشان داد که استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی، اگرچه به شکل اضطراری آغاز شد، اما توانست نتایج ملموسی در تسهیل روند رسیدگی‌ها داشته باشد. براساس گزارش مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه، در سال ۱۳۹۹ بیش از ۴۰۰ هزار جلسه رسیدگی به شکل آنلاین برگزار شد و دادگاه‌ها از پیام‌رسان‌های داخلی و بستر ابلاغ الکترونیکی برای تعامل با اصحاب دعوا بهره گرفتند (قوه قضاییه، ۱۴۰۰). با این حال، پس از فروکش کردن بحران، این تجربه ارزشمند نیز بدون تداوم زیرساختی رها شد. این درحالی است که نظام حقوقی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربه دوران کرونا و با الهام از مدل کانادایی، بستری پایدار و رسمی برای داوری آنلاین ترمیمی ایجاد کند.

۲-۲- کمک‌های قضایی زودبازده: پاسخ‌های سریع، انسانی و چندلایه

دومین رکن مهم در تسریع عدالت ترمیمی در کانادا، طراحی کمک‌های قضایی زودبازده^۲ است. این مفهوم به مجموعه‌ای از خدمات و اقدامات حقوقی و اجتماعی اشاره دارد که با هدف

نظام حقوقی کانادا، با استفاده از تجربه‌های عمیق در زمینه عدالت ترمیمی، نشان داده است که می‌توان عدالت را نه فقط در صدور حکم، بلکه در بازسازی روابط، مشارکت جامعه و احیای اعتماد میان شهروندان پیگیری کرد. این کشور با بهره‌گیری از سازوکارهایی مانند میانجی‌گری کیفری، پرداخت معوضه، مشارکت دادستان‌ها در فرآیند ترمیمی، تشکیل کمیته‌های ناظر، حتی حضور مستقیم قضات در مراحل ترمیم، موفق شده است مدلی انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق ارائه دهد (Waller, 2010: 5; Chartrand & Horn, 2016; Tomporowski, 2014: 218; Truth and Reconciliation Commission, 2015).

بدیهی است که انتقال صرف یک الگو از کشوری به کشور دیگر نه ممکن است و نه مطلوب، اما شناسایی نقاط قوت، چالش‌ها و زمینه‌های تطبیق‌پذیری، می‌تواند گامی مهم در جهت توسعه نظامی کارآمدتر و انسانی‌تر در ایران باشد. ایران، با بهره‌مندی از میراث فرهنگی غنی در صلح‌جویی، نقش نهادهای مردمی و تأکید فقهی بر رضایت و جبران، ظرفیت بالقوه بالایی برای پذیرش و بومی‌سازی عدالت ترمیمی دارد، هرچند که این ظرفیت‌ها هنوز به صورت نظام‌مند به کار گرفته نشده‌اند.

در ادامه این مقاله، به تفصیل به برخی از محورهای بنیادین و اجرایی تجربه کانادا در عدالت ترمیمی پرداخته می‌شود. این بررسی، نه از منظر صرف توصیف، بلکه با هدف ارزیابی امکان بهره‌گیری از آن‌ها در بستر حقوقی ایران انجام خواهد گرفت.

۲- سرعت در عملکرد: اهرم‌های شتاب‌دهنده در فرآیند عدالت ترمیمی کانادا

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عدالت ترمیمی، سرعت و انعطاف‌پذیری آن در پاسخ‌دهی به جرم است. برخلاف روند سنتی دادرسی که اغلب با پیچیدگی‌های اداری، زمان‌بر بودن و فرایندهای رسمی مواجه است، عدالت ترمیمی در قالب سازوکارهای مردمی و مشارکتی، فرصت حل و فصل اختلاف را در کوتاه‌ترین زمان ممکن فراهم می‌آورد. تجربه نظام حقوقی کانادا در این زمینه قابل توجه است؛ کشوری که با طراحی

²- Rapid Judicial Support Mechanisms

¹- Online Dispute Resolution

پیردازد؛ نهادهایی که با همکاری قوه قضاییه، سازمان بهزیستی، کانون وکلا و حتی نهادهای مردمی، بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن، راهکارهای ترمیمی، مالی، روانی و حقوقی برای بزه‌دیدگان و بزهکاران فراهم کنند.

مدل کانادایی عدالت ترمیمی نشان می‌دهد که سرعت در رسیدگی به جرم نه تنها با اصول عدالت در تضاد نیست، بلکه می‌تواند مکمل آن باشد، به‌ویژه زمانی که هدف، التیام آسیب‌ها و بازیابی اعتماد اجتماعی است. با بهره‌گیری از ابزارهای فناورانه مانند داوری آنلاین و توسعه نهادهای کمک‌رسان سریع، می‌توان مسیری هموارتر، انسانی‌تر و مؤثرتر در رسیدگی به پرونده‌ها طراحی کرد. ایران نیز با استفاده از ظرفیت‌های خود و با الگوبرداری بومی‌شده از تجربه کانادا، می‌تواند عدالت را از یک فرآیند رسمی صرف، به یک تجربه ترمیمی اجتماعی و قابل لمس بدل سازد.

۳- پرداخت معوضه به افراد آسیب‌دیده

در نظام عدالت ترمیمی، جبران خسارت یکی از مهم‌ترین ارکان تحقق عدالت و ترمیم روابط آسیب‌دیده به‌شمار می‌رود. این جبران، بسته به نظام حقوقی، می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، اما در الگوی کانادایی، یکی از بارزترین شیوه‌ها، پرداخت معوضه^۱ به افراد آسیب‌دیده است. این شیوه، به‌ویژه برای بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر یا کسانی که دچار آسیب‌های غیرقابل بازگشت شده‌اند، به‌عنوان سازوکاری سریع، انسانی و مؤثر در نظر گرفته شده است (Waller, 2010: 40; Nayerahmadi & Ben-Ishai, 2019: 113).

پرداخت معوضه در کانادا، نه صرفاً از منظر جبران مالی، بلکه به‌مثابه اقدامی اخلاقی و التیام‌بخش تلقی می‌شود. در مواردی که امکان جبران کامل از سوی بزهکار وجود ندارد یا فرآیند دادرسی طولانی شده است، دولت یا نهادهای عمومی از طریق صندوق‌های ویژه، مبالغی را به‌صورت مستقیم و فوری به بزه‌دیدگان پرداخت می‌کنند. این مبالغ ممکن است شامل هزینه‌های درمانی، حمایت روانی، ازکارافتادگی، حتی خسارت معنوی باشد (Department of Justice Canada, 2019).

پاسخ فوری، کم‌هزینه و مؤثر به وضعیت بزه‌دیدگان و بزهکاران، پیش از ورود به فرآیندهای کامل دادرسی طراحی شده‌اند (Nagel & McLaren, 2024: 217; Peters, 2021: 3).

در عمل، این کمک‌ها طیف گسترده‌ای از مداخلات را شامل می‌شوند:

- میانجی‌گری فوری میان طرفین با حضور تسهیلگران آموزش‌دیده؛

- ارائه مشاوره حقوقی رایگان یا یارانه‌ای برای بزه‌دیدگان؛

- پرداخت هزینه‌های اضطراری یا معوضه‌های اولیه از سوی دولت یا نهادهای عمومی برای جبران موقت خسارت؛

- ارجاع پرونده‌ها به شوراهای محلی ترمیمی که متشکل از اعضای معتمد جامعه‌اند؛

- تدوین توافق‌نامه‌های کتبی الزام‌آور با نظارت دادستان یا قاضی برای جلوگیری از ورود پرونده به مرحله رسمی دادرسی.

این کمک‌ها به‌ویژه برای جرایم کم‌خطر، نوجوانان، بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر و اختلافات خانوادگی بسیار مؤثر عمل کرده‌اند. در واقع، عدالت ترمیمی در این قالب می‌کوشد به‌جای صدور حکم، راه‌حلی فوری، رضایت‌بخش و اجتماعی برای بحران موجود ارائه کند (Waller, 2010: 42; Gresson, 2018: 1).

در ایران نیز نشانه‌هایی از این نوع حمایت‌ها به‌صورت پراکنده دیده می‌شود، از جمله شوراهای حل اختلاف، واحدهای صلح و سازش یا سازوکارهایی در قانون آیین دادرسی کیفری که دادسرا را ملزم به تلاش برای صلح پیش از کیفرخواست می‌کند، اما تفاوت عمده این است که در ایران این ساختارها فاقد آموزش تخصصی، بودجه مستقل، ضمانت اجرایی و پایش دائمی هستند؛ به همین دلیل اغلب کارکردی نمادین یا محدود دارند (غلامی، ۱۳۹۳: ۳۸).

نظام حقوقی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات کانادا، به طراحی نهادهای رسمی برای کمک‌های قضایی زودبازده

^۱ - Compensation Payments

به این بزه‌دیدگان پرداخت کرد تا بخشی از آسیب‌های وارده جبران شود (Truth and Reconciliation Commission of Canada, 2015).

همچنین در مواردی همچون آسیب‌های ناشی از رفتارهای تبعیض‌آمیز در بازار کار، مصرف داروهای مضر بدون هشدار یا نقض حقوق زندانیان، پرداخت معوضه به‌عنوان جایگزین یا مکمل فرآیند قضایی، نقش مهمی در التیام اجتماعی ایفا کرده است (Nayerahmadi & McCall-Smith, 2016: 1186; Ben-Ishai, 2019: 115).

نظام حقوقی ایران می‌تواند با الگوبرداری تطبیقی از تجربه کانادا، ضمن حفظ چهارچوب‌های فقهی و قانونی خود، به تأسیس صندوقی مشابه اقدام کند. این صندوق، مستقل از فرآیند صدور حکم و مسؤولیت مدنی یا کیفری، می‌تواند با سازوکار ساده‌ای، بخشی از هزینه‌های فوری و اضطراری بزه‌دیدگان را تأمین نماید. منابع مالی این صندوق می‌تواند از محل بودجه عمومی، جرایم نقدی یا حتی کمک‌های مردمی تأمین شود. طراحی چنین نهادی، علاوه بر کارکرد حمایتی، نشانه‌ای از توجه نظام به کرامت انسانی بزه‌دیدگان و تعهد اجتماعی آن در برابر رنج افراد آسیب‌دیده خواهد بود.

۴- مشارکت فعال دادستان در فرآیند عدالت ترمیمی: دادستان به‌مثابه ترمیم‌گر عدالت

در بسیاری از نظام‌های حقوقی مدرن، نقش دادستان فراتر از صرف پیگرد قانونی گسترش یافته است. در الگوی عدالت ترمیمی، دادستان دیگر صرفاً نماینده دولت برای تعقیب جرم نیست، بلکه نقشی تسهیلگر، نظارتی و گاه سازشی ایفا می‌کند؛ نقشی که می‌تواند در فرآیند رسیدگی و ترمیم آسیب‌های ناشی از جرم، مؤثر و حتی تعیین‌کننده باشد.

نظام حقوقی کانادا، از جمله کشورهایی است که مشارکت فعال دادستان را در فرآیند عدالت ترمیمی نهادینه کرده است. در بسیاری از پرونده‌ها، دادستان نه تنها با ارجاع مستقیم پرونده به میانجی‌گری موافقت می‌کند، بلکه در برخی موارد به‌عنوان ناظر یا تسهیلگر در نشست‌های میانجی‌گری نیز حضور می‌یابد. این نقش، به‌ویژه در پرونده‌هایی با حساسیت بالا، نظیر جرایم علیه

ویژگی مهم معوضه، سرعت در پرداخت و عدم وابستگی آن به اثبات تقصیر از سوی بزه‌کار است. به عبارتی دیگر، این ابزار به‌گونه‌ای طراحی شده است که حتی پیش از محکومیت کیفری یا رأی نهایی دادگاه نیز می‌تواند فعال شود تا مانع از ادامه آسیب و فروپاشی روانی یا مالی بزه‌دیده گردد.

۳-۱- معوضه در مقایسه با دیه، خسارت و غرامت در ایران
در نگاه اول، پرداخت معوضه ممکن است با مفاهیمی مانند دیه، خسارت یا غرامت در نظام حقوقی ایران شباهت‌هایی داشته باشد، اما در واقع، ماهیت آن متفاوت است. در حقوق ایران، دیه بیشتر ماهیت کیفری دارد و در موارد خاص با قواعد شرعی و قانونی تعیین می‌شود؛ خسارت نیز غالباً تابع اثبات تقصیر و مسؤولیت مدنی است، اما معوضه در نظام کانادایی، پرداختی فوری، حمایتی و مستقل از فرآیند اثبات تقصیر است، موضوعی که در نظام حقوقی ایران هنوز ساختار روشنی ندارد.
با این حال، پیشنهاد تأسیس صندوق معوضه بزه‌دیدگان در ایران، یک گام مهم در راستای توسعه عدالت ترمیمی خواهد بود. این صندوق می‌تواند تحت نظارت قوه قضاییه یا سازمانی مستقل، با هدف حمایت فوری از بزه‌دیدگان جرایم خاص، به ویژه زنان قربانی خشونت، کودکان یا آسیب‌دیدگان جرایم سنگین و شوک‌آور فعالیت کند.

در برخی اسناد راهبردی و نظریه‌های مشورتی، ایده‌هایی مشابه دیده شده‌اند. برای مثال، در «سند تحول قضایی» قوه قضاییه بر تقویت حمایت از بزه‌دیدگان و تدوین سیاست‌های حمایتی خاص تأکید شده است، اما این ایده‌ها هنوز به‌شکل نهادینه و مؤثر درنیامده‌اند (قوه قضاییه، ۱۳۹۹).

۳-۲- نمونه‌هایی از کاربرد معوضه در نظام کانادا
از جمله نمونه‌های مهمی که در آن پرداخت معوضه نقش حیاتی ایفا کرد، می‌توان به پرداخت‌های گسترده به بومیان آسیب‌دیده در مدارس شبانه‌روزی اشاره کرد؛ مدرسی که در آن‌ها سیاست‌های تبعیض‌آمیز و خشونت فرهنگی منجر به آسیب‌های جسمی، روانی و هویتی گسترده‌ای شده بود. دولت کانادا با تأسیس صندوق‌های مالی خاص، مبالغ قابل‌توجهی را

نوعی نسل‌کشی فرهنگی^۱ معرفی شدند (Truth and Reconciliation Commission of Canada, 2015).

در مه ۲۰۲۱، در محوطه مدرسه شبانه‌روزی سابق «Kamloops Indian Residential School» بقایای اجساد ۲۱۵ کودک بی‌نام کشف شد. پس از آن، در سایت‌های دیگر مانند Cowessess، Marieval، و Cranbrook نیز گورهای جمعی کشف شد و تعداد تخمینی اجساد به بیش از ۶۰۰۰ کودک رسید. موجی از خشم عمومی و تظاهرات گسترده سراسر کشور را فراگرفت.

در این نقطه، تمرکز صرف بر مجازات کیفری مسؤولان (که بسیاری از آن‌ها در گذشته بودند) راهکار مؤثری نبود، در نتیجه، دادستان‌های فدرال کانادا نقش فعالی در رویکرد ترمیمی ایفا کردند:

۱- حمایت از توافق‌نامه غرامت^۲ که به بیش از ۸۰ هزار بازمانده مجموعاً ۵ میلیارد دلار پرداخت شد (Chartrand & Horn, 2016)؛

۲- همکاری با کمیسیون حقیقت و آشتی برای شنیدن شهادت‌ها، حفاظت از بزه‌دیدگان، افشای اسناد و ارائه توصیه‌های اصلاحی؛

۳- تسهیل مشارکت نهادهای دینی و دولتی در روند عذرخواهی، پرداخت غرامت، و ساخت فضاهای یادبود؛

۴- تغییر نقش دادستان به تسهیلگر میانجی‌گر، نه صرفاً مدعی‌العموم کیفری؛ آنان در روند گفتگو بین قربانیان و دولت حضور یافتند، بر روند اجرای تعهدات نظارت داشتند و راه را برای بازسازی اجتماعی هموار کردند.

۲-۴- پرونده عمر خدر و زندانیان گوانتانامو

عمر خدر، شهروند کانادایی، در سال ۲۰۰۲ و در سن ۱۵ سالگی در افغانستان توسط نیروهای آمریکایی به اتهام شرکت در جنگ و قتل یک سرباز آمریکایی بازداشت شد. وی به زندان گوانتانامو منتقل شد و به مدت ۱۰ سال بدون محاکمه منصفانه زندانی بود. در طول این مدت بارها تحت بازجویی‌های

اقلیت‌ها، کودکان یا آسیب‌دیدگان بومی، اهمیتی دوچندان می‌یابد (Johnstone & Van Ness, 2007: 21; Chartrand & Horn, 2016).

روی هم رفته مدل کانادایی نشان می‌دهد که نقش دادستان در عدالت ترمیمی می‌تواند فراتر از پیگیری جرم و صدور کیفرخواست باشد و دادستان می‌تواند به نماینده‌ای برای بازسازی روابط، جبران خسارت و ایجاد مصالحه‌ای عادلانه تبدیل شود. این تحول، مستلزم بازتعریف فلسفی و حقوقی نقش دادستان در نظام قضایی است، اگرچه در ایران هنوز این تحول به‌طور کامل رخ نداده، اما نشانه‌هایی از امکان‌پذیری آن به‌ویژه در قوانین جدید و اسناد تحولی دستگاه قضایی، قابل مشاهده است و با حمایت قانون‌گذار، نهادینه‌سازی فرهنگی و آموزش تخصصی، می‌توان از ظرفیت دادرها برای توسعه عدالت ترمیمی بهره گرفت. برای اثبات این مدعا در اینجا به چند نمونه قابل تأمل از مشارکت فعال و ترمیم‌گر دادستان‌ها در کانادا استناد می‌شود:

۱-۴- پرونده مدارس شبانه‌روزی بومیان کانادا و عدالت ترمیمی

دولت فدرال کانادا با همکاری کلیساها از اواخر قرن ۱۹ اقدام به تأسیس بیش از ۱۵۰ مدرسه شبانه‌روزی برای کودکان بومی کرد. این مدارس، به‌ویژه در مناطق دورافتاده، با هدف «جذب و یکپارچه‌سازی فرهنگی» کودکان بومی فعالیت می‌کردند، اما در عمل کودکان به زور یا با اجبار از خانواده‌ها جدا می‌شدند؛ در مدارس، آن‌ها از صحبت به زبان مادری و اجرای مناسک دینی خود منع می‌شدند؛ صدها مورد تجاوز جنسی، شکنجه روانی، سوءتغذیه و آزار جسمی گزارش شد؛ در این فرآیند هزاران کودک اغلب بدون اطلاع خانواده‌ها جان خود را از دست دادند.

در سال ۲۰۰۸، دولت کانادا رسماً از بازماندگان عذرخواهی کرد و کمیسیون حقیقت و آشتی (TRC) تأسیس شد. در گزارش نهایی این کمیسیون در سال ۲۰۱۵، این سیاست‌ها به‌عنوان

²- Indian Residential Schools Settlement Agreement

¹- Cultural Genocide

آن‌ها بسیار برجسته بود. در هر دو مورد، دادستان‌ها در حفظ، تحلیل و تأیید مدارک تاریخی یا حقوقی نقش فعال ایفا کردند و اجازه دادند حقیقت قربانیان شنیده شود. مشارکت مؤثر دادستان‌ها در این دو مورد، نشان‌دهنده درک جدیدی از مسؤولیت نهادی، اخلاق قضایی و تعهد به کرامت انسانی است. این رویکرد می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای کشورهای دیگر - از جمله ایران - باشد تا در مواجهه با بحران‌های حقوق بشری، به جای انکار یا انفعالی بودن، با نگاهی ترمیم‌گرا به بازسازی اجتماعی بپردازند.

۳-۴- ارجاع یک پرونده قتل به فرایند عدالت ترمیمی در نوا اسکوشیا^۳

در مارس ۲۰۲۲، فردی در نوا اسکوشیا^۳ به جرم قتل درجه دو محکوم شد. پس از صدور حکم زندان، بزه‌دیدگان درخواست کردند پرونده ضمن امکان گفتگوهای ترمیمی پیگیری شود. قاضی منطقه تصمیم گرفت پرونده را به برنامه Nova Scotia Restorative Justice Program (NSRJP) ارجاع دهد. این اولین باری بود که یک پرونده قتل به این شیوه در این استان به مسیر عدالت ترمیمی هدایت می‌شد.

دادستان^۴ مسؤول بررسی بود که آیا پرونده می‌تواند به‌عنوان گزینه‌ای برای فرایند عدالت ترمیمی مطرح شود. او پرونده قتل را پس از ارزیابی ملاحظات قانونی و ارزیابی خطر، واجد شرایط دانست و ارجاع آن را تأیید کرد.

طبق پروتکل‌های NSRJP، ارجاع باید با رضایت داوطلبانه قربانی و پذیرش مسؤولیت از سوی متهم همراه باشد. دادستان در هماهنگی با قربانیان و متهم اطمینان حاصل کرد که شرایط پذیرش در معیارهای قانونی فراهم شده باشد.

دادستان، همراه با تیم عدالت ترمیمی منطقه‌ای، بر نحوه اجرای نشست‌ها نظارت کرد تا برنامه مطابق استانداردهای رسمی (مانند تضمین حقوق قربانی، شفافیت و نبود فشار حکومتی) اجرا شود.

خشونت‌آمیز قرار گرفت، از خواب محروم شد، بدون حضور وکیل در بازجویی‌ها شرکت داده شد و نهایتاً وضعیت روحی و جسمی او وخیم شد.

در پرونده *Khadr v. Canada*^۱، سال ۲۰۱۰، دیوان عالی کانادا رأی داد که دولت کانادا با ارسال بازجویان به گوانتانامو، در نقض حقوق اساسی خدر مشارکت داشته و مسؤول است^۲، اما بعد از این مرحله مشارکت دادستان در رویکرد ترمیمی آغاز شد؛ پس از رأی دادگاه، دادستان‌های فدرال در سطح ملی نقش مهمی در تسهیل عدالت ترمیمی ایفا کردند:

۱- میانجی‌گری با وکلای عمر خدر برای دستیابی به توافق جبرانی؛

۲- پیشنهاد پرداخت غرامت و بازپروری به‌جای محاکمه مجدد؛ دولت کانادا با مشاوره دادستان‌ها، در سال ۲۰۱۷، مبلغ ۵/۱۰ میلیون دلار غرامت به عمر خدر پرداخت کرد و از وی عذرخواهی رسمی نمود (Roach, 2020: 250)؛

۳- حمایت از بازگشت خدر به جامعه و برنامه‌های مشاوره‌ای با همکاری نهادهای غیرقضایی؛

۴- پشتیبانی از شفاف‌سازی اسناد و گفتگو با رسانه‌ها برای ترمیم اعتماد عمومی.

در همین راستا، برخی دادستان‌های ایالتی آمریکا نیز پس از انتشار گزارش سنا در مورد شکنجه (۲۰۱۴)، خواستار بازنگری در سیاست‌های امنیتی پس از ۱۱ سپتامبر شدند و بر استفاده از عدالت ترمیمی تأکید کردند.

با نگاهی به این تجربه می‌توان دریافت که هر دو نشان‌دهنده امکان‌پذیر بودن عدالت ترمیمی در پرونده‌های فاجعه‌آمیز و ساختاری است، به شرطی که دادستانی از نقش سنتی‌اش فراتر رود. دادستان‌ها نقش میانجی‌گر بی‌طرف را ایفا کردند و این نقش به‌ویژه در جوامعی که قربانیان به نهادهای قضایی بی‌اعتمادند، اهمیت حیاتی دارد. نقش حقوقی دادستان در تنظیم توافقات جبرانی، ارزیابی ضرر و زیان و نظارت بر اجرای

^۳- Nova Scotia

^۴- Crown Attorney

^۱- *Khadr v. Canada*, 2010 SCC 3, [2010] 1 S.C.R. 44.

^۲- Supreme Court of Canada, 2010.

دادگاه پیشنهاد رسمی برای جایگزینی حبس با رویکرد ترمیمی ارائه کرد.

این اقدام برخلاف سنت حاکم بر پیگیری شدید جرایم مواد مخدر بود و نشان‌دهنده شجاعت حرفه‌ای دادستان در پذیرش راهکار انسانی و مشارکتی محسوب شد.

دادستان پیشنهاد کرد به‌جای صدور حکم زندان، از نهادهای قضایی سنتی بومیان^۳ برای بررسی پرونده استفاده شود. این نهادها بر پایه گفتگو، جبران، مسؤولیت‌پذیری و بازسازی رابطه فرد با جامعه عمل می‌کنند.

همیگر در این جلسات مشارکت کرد، از رفتار خود عذرخواهی نمود و متعهد شد در برنامه‌های اجتماعی مشارکت کند.

درنهایت، دادستان از پیشنهاد خود مبنی بر اعمال جایگزین حبس دفاع کرد و قاضی را قانع نمود که این مسیر نه تنها متهم، بلکه جامعه را نیز منتفع می‌کند. قاضی با پذیرش این دیدگاه، مجازات جایگزینی شامل آزادی مشروط، تعهد به درمان، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و ارائه گزارش منظم صادر کرد.

در اینجا نقش دادستان از مقام صرفاً تعقیب‌گر به تسهیل‌گر عدالت اجتماعی و انسانی تبدیل شد که قدرت تصمیم‌گیری ابتکار ارجاع پرونده به مسیر ترمیمی را در اختیار داشت و احترام به تنوع فرهنگی با استفاده از مکانیزم‌های سنتی بومیان، عدالت فرهنگی را نیز محقق ساخت و به نوعی تعادل میان عدالت و بازپروری دادستان نقش واسطه‌ای مؤثر میان نیاز به پاسخ کیفری و فرصت بازسازی ایفا کرد.

۴-۵- وضعیت حقوقی ایران: مشارکت محدود دادستان‌ها و قابلیت توسعه فعالیت

در نظام قضایی ایران، نقش دادستان به‌طور سنتی در چهارچوب نمایندگی از سوی جامعه در تعقیب جرم تعریف شده است. موادی نظیر ۲۲، ۶۴، ۷۷، ۸۷، ۸۸ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد که دادستان مسؤول حفظ حقوق

در پایان، دادستان نقش داور حرفه‌ای را در تأیید توافق نهایی بین طرفین داشت و به قاضی پیشنهاد کرد که با توجه به موفقیت فرایند ترمیمی، گزینه‌هایی مانند کاهش مجازات یا جایگزینی با شرایط خاص اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

در خاص بودن این مورد باید گفت که این اولین پرونده قتل ارجاع‌شده در استان نوا اسکوشیا به عدالت ترمیمی بعد از صدور حکم زندان بوده است. مثال عملی از مشارکت فعال دادستان در تصمیم‌گیری نسبت به مسیر ترمیمی، نه صرفاً تعقیب کیفری نمایشگر نحوه تطبیق عدالت ترمیمی با جرایم جدی و محیط قضایی رسمی در کانادا است که هر آینه می‌تواند در ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد.

۴-۴- یک پرونده از اقلیت‌های بومی در ایالت ساسکاچوان

در سال ۲۰۱۹، همیگر مردی جوان از جامعه بومیان در استان ساسکاچوان، به جرم دراختیارداشتن کوکائین به قصد قاچاق تحت تعقیب قرار گرفت.^۱ این جرم طبق قانون جنایی^۲ کانادا از جرایم سنگین محسوب می‌شود و معمولاً مجازات آن حبس تعزیری بین ۱۸ ماه تا ۴ سال است.

اما شرایط همیگر متفاوت بود. او نه تنها سابقه بزهکاری نداشت، بلکه قربانی تاریخی تبعیض سیستماتیک علیه بومیان کانادا نیز بود، شواهد نشان می‌داد که در کودکی از خانواده جدا شده و در پرورشگاه‌های دولتی رشد یافته بود؛ به‌علت مشکلات روانی، دچار از دست‌دادن جایگاه اجتماعی شده بود، اما پس از بازداشت، پشیمان شده و مسؤولیت کار خود را پذیرفته، وارد برنامه‌های درمان اعتیاد شده و در جامعه بومی خود فعالیت مثبت آغاز کرده بود. این عوامل که به اصطلاح در حقوق کیفری کانادا به آن‌ها «Glade Factor» گفته می‌شود، تأثیر بسیاری در تصمیم‌گیری قضایی دارند.

دادستان پرونده با بررسی دقیق گذشته، وضعیت اجتماعی و فرهنگی همیگر، به این نتیجه رسید که روش صرفاً تنبیهی برای این پرونده نه تنها بی‌اثر است، بلکه ممکن است روند بازسازی اجتماعی فرد را متوقف کند. به همین دلیل، او در

³- Indigenous Healing Circles

¹- R. v. Heimbecker, Saskatchewan Provincial Court, 2019.

²- Criminal Code.

اما بدون چهارچوب نظارتی شفاف و پاسخگو، ممکن است به انحراف، تبعیض یا حتی آسیب مجدد به بزه‌دیده منتهی شود. در همین راستا، تجربه نظام حقوقی کانادا در تشکیل کمیته‌های ناظر بر فرآیند عدالت ترمیمی نمونه‌ای قابل توجه از کنترل کیفی، حقوقی و اخلاقی این فرآیند است (Johnstone & Van Ness, 2007: 23; Umbreit & Armour, 2010: 12; Zehr, 2015: 14).

۵-۱- ساختار کمیته‌ها در مدل کانادایی: از سیاست‌گذاری تا نظارت میدانی

به‌طور کلی در نظام عدالت ترمیمی کانادا، چند سطح از کمیته‌ها و نهادهای نظارتی فعالیت می‌کنند:

- کمیته سیاست‌گذاری عدالت ترمیمی، متشکل از متخصصان حقوق، علوم اجتماعی و نمایندگان اقلیت‌ها که وظیفه آن تدوین راهبردهای ملی و منطقه‌ای عدالت ترمیمی است؛

- کمیته ویژه قربانیان جرایم جنسی که با هدف تضمین رعایت حقوق و کرامت آسیب‌دیدگان چنین جرایمی تشکیل شده و شامل روان‌شناسان، وکلا، فعالان اجتماعی و نمایندگان نهادهای حمایتی است (Umbreit & Armour, 2010):

- کمیته‌های محلی مانند کمیته Northwine که مأموریت آن‌ها نظارت بر اجرای اصول عدالت ترمیمی در مناطق خاص (مانند مناطق صنعتی، بومی یا آسیب‌پذیر) است و اغلب با مشارکت مردم محلی، رهبران اجتماعی و نهادهای محیط زیستی فعالیت می‌کنند (Braithwaite, 1999: 120; Wachtel, 2016).

این نهادها، علاوه بر نظارت، در ثبت تجربیات موفق، شناسایی خطاهای اجرایی، تدوین گزارش‌های ارزیابی و آموزش مجریان عدالت ترمیمی نیز نقش دارند. حضور این کمیته‌ها باعث می‌شود که عدالت ترمیمی، صرفاً یک فرآیند غیردولتی و خودجوش نباشد، بلکه در عین حفظ ماهیت مشارکتی، دارای پشتوانه حقوقی و اخلاقی نیز باشد.

۵-۲- مقایسه با نظام ایران: جای خالی نهاد نظارتی مستقل در نظام حقوقی ایران، فرآیندهای جایگزین رسیدگی کیفری نظیر صلح و سازش، بیشتر در قالب شوراهای حل اختلاف یا

عمومی است و در تمامی مراحل دادرسی حضور دارد. با این حال، در فرآیندهای جایگزین یا ترمیمی، نقش مستقیمی برای دادستان در نظر گرفته نشده است. در عمل نیز، مشارکت دادستان‌ها در فرآیندهایی مانند میانجی‌گری، صلح و سازش یا حمایت از بزه‌دیده، محدود و غالباً منفعلانه است.

در برخی موارد، نظیر دستور به ارجاع پرونده به شوراهای حل اختلاف یا تلاش برای جلب رضایت طرفین، حضور دادستان دیده می‌شود، اما این نقش‌ها بیشتر جنبه اداری یا شکلی دارند و از عمق، تخصص و پویایی لازم برای تحقق عدالت ترمیمی برخوردار نیستند (غلامی، ۱۳۹۳: ۳۳؛ زهر، ۱۳۸۳: ۲۴).

نظام قضایی ایران با اصلاحاتی نسبتاً محدود، اما هدفمند می‌تواند زمینه مشارکت فعال دادستان‌ها در فرآیندهای ترمیمی را فراهم کند. برای مثال:

- تدوین آیین‌نامه‌های خاص با محوریت دادستان در نظارت بر فرآیندهای میانجی‌گری کیفری؛

- آموزش تخصصی به دادستان‌ها در زمینه عدالت ترمیمی، روان‌شناسی قربانی و ملاحظات اخلاقی؛

- اجازه به دادستان‌ها برای حضور در جلسات میانجی‌گری در موارد خاص (نظیر خشونت خانوادگی یا جرایم علیه اطفال)؛

- تعریف وظایف نظارتی در فرآیند ترمیم و ارزیابی نتایج توافق میان طرفین.

۵- کمیته‌های ناظر بر عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، اگرچه در ذات خود مشارکتی و انعطاف‌پذیر است، اما بدون ساختار نظارتی قوی ممکن است به نتیجه‌ای معکوس منجر شود. تجربه کانادا در تشکیل کمیته‌های ناظر، الگوی موفق برای حفظ تعادل میان آزادی و قانونمندی در این حوزه است. ایران نیز با توجه به ساختار قضایی خود و چالش‌های پیش رو، می‌تواند با ایجاد نهادهای تخصصی، گامی مؤثر در جهت گسترش و تثبیت عدالت ترمیمی بردارد. از واضحات است که اجرای صحیح و اثربخش عدالت ترمیمی، نیازمند نظارت مؤثر، تخصصی و نهادینه است، هرچند عدالت ترمیمی رویکردی مبتنی بر گفتگو، مصالحه و مشارکت است،

می‌توان از این ظرفیت در مسیر توسعه عدالت ترمیمی بهره گرفت. در این جلوه از رویکرد عدالت ترمیمی، قاضی می‌تواند نه به‌عنوان عنصر سلطه، بلکه به‌مثابه راهنما، تسهیلگر و حافظ عدالت میان طرفین ایفای نقش کند. برخلاف الگوهای سنتی که قاضی را صرفاً در جایگاه ناظر نهایی بر فرآیند دادرسی قرار می‌دهند، در برخی نظام‌های پیشرو مانند کانادا، قضات مخصوصاً در سال‌های اخیر به‌گونه‌ای فعال در مراحل مختلف فرآیند ترمیمی مشارکت دارند، به‌ویژه در پرونده‌هایی که پیچیدگی حقوقی یا حساسیت اجتماعی بالایی دارند (Johnstone & Van Ness, 2007: 2; Daly, 2016: 9).

۶-۱- تجربه کانادا: قاضی به‌عنوان تسهیلگر در مصالحه و

ترمیم

در نظام حقوقی کانادا، حضور قضات در فرآیند عدالت ترمیمی، به‌ویژه در جرایم زیست‌محیطی، جرایم اقتصادی بزرگ یا آسیب‌های گسترده اجتماعی، نه‌تنها مشروعیت‌بخش است، بلکه گاه شرط ضروری تحقق عدالت تلقی می‌شود. نمونه برجسته‌ای از این رویکرد، پرونده نفتکش Exxon Valdez است؛ حادثه‌ای که به‌دلیل نشت نفت در سواحل آلاسکا، آسیب گسترده‌ای به محیط زیست، جامعه محلی و گونه‌های جانوری وارد کرد.

در جریان رسیدگی به این پرونده، مقامات قضایی کانادا، به‌جای تکیه صرف بر روال کلاسیک محاکمه، از فرآیندهای عدالت ترمیمی با حضور مستقیم قاضی بهره گرفتند. قاضی پرونده با هدایت نشست‌های مشترک میان نمایندگان شرکت، قربانیان، فعالان محیط زیست و جامعه محلی، فرآیند بازسازی خسارات را مدیریت کرد و توصیه‌هایی برای تعهدات زیست‌محیطی، پرداخت‌های معوضه و اصلاحات سیستمی ارائه داد (Roach, 2000: 249). این تجربه، نشان‌دهنده نقش قاضی در شکل‌دهی به راه‌حل‌های چندجانبه، اخلاق‌محور و ترمیم‌محور است.

از فایده‌های حضور قضات در فرآیند ترمیمی می‌توان به ایجاد اعتماد و احساس عدالت در میان طرفین، به‌ویژه در پرونده‌هایی با بار عاطفی یا روانی بالا، تضمین رعایت موازین حقوقی و اخلاقی در مسیر مصالحه، به‌خصوص در مورد بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، جهت‌دهی به نتایج توافق‌ها برای انطباق با

نهادهای شبه‌قضایی مانند داوری صورت می‌گیرد، هرچند این نهادها، در عمل بخشی از بار دستگاه قضایی را کاهش می‌دهند، اما فاقد ساختار نظارتی مستقل و تخصصی هستند.

نهادهای موجود، اغلب تابع ساختار قوه قضاییه‌اند و کمتر از مشارکت نهادهای مدنی، دانشگاهی یا صنفی بهره‌مند می‌شوند. افزون بر آن، هیچ‌گونه سازوکار رسمی برای نظارت بر اجرای اصول عدالت‌محور، حفظ کرامت بزه‌دیده یا بررسی کیفیت مصالحه‌ها وجود ندارد. این خلأ، به‌ویژه در جرایمی با حساسیت بالا، خطر انحراف از عدالت یا نقض حقوق افراد آسیب‌پذیر را افزایش می‌دهد.

۵-۳- ضرورت تأسیس کمیته‌های مستقل در ایران

نظام حقوقی ایران می‌تواند با الهام از تجربه کانادا، به ایجاد کمیته‌های مستقل ناظر بر عدالت ترمیمی اقدام کند. این کمیته‌ها می‌توانند بر سه محور متمرکز باشند:

۱- سیاست‌گذاری کلان در حوزه عدالت ترمیمی با حضور متخصصان حقوق کیفری، جرم‌شناسی، فقه و حقوق تطبیقی؛

۲- نظارت بر فرآیندهای ترمیمی محلی از طریق نمایندگان مردمی، روان‌درمانگران، مددکاران اجتماعی و وکلا؛

۳- نظارت خاص بر پرونده‌های حساس، مانند جرایم علیه کودکان، زنان، اقلیت‌ها یا قربانیان خشونت خانوادگی.

حضور این کمیته‌ها نه‌تنها به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه از بروز سوءاستفاده احتمالی از مفهوم عدالت ترمیمی نیز پیشگیری خواهد کرد. نکته کلیدی در طراحی این نهادها، استقلال، چندرشته‌ای بودن و ارتباط آن‌ها با نهادهای دانشگاهی و مدنی است.

۶- حضور قضات در فرآیند عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، نه‌تنها نیازمند مشارکت بزه‌دیده و بزه‌کار، بلکه نیازمند حضور نهادهای عدالت‌مدار در مقام تسهیلگر، ناظر و مشاور است. تجربه کانادا در بهره‌گیری از قضات مستقل در فرآیند ترمیمی، نشان می‌دهد که این رویکرد می‌تواند به دستیابی به نتایج متوازن‌تر، عادلانه‌تر و ماندگارتر منجر شود. در ایران نیز با بازتعریف جایگاه قاضی در فرآیندهای جایگزین،

Court داشت. این دادگاه‌ها به‌ویژه برای حل‌وفصل پرونده‌های مربوط به خشونت خانگی و نگهداری از کودکان طراحی شدند و در آن‌ها روش‌هایی چون Healing Circles و مشارکت گسترده اعضای خانواده و جامعه بومی برای درمان و بازسازی روابط به‌کار گرفته می‌شود. قاضی در این مدل نه صرفاً یک قاضی، بلکه راهبر و تسهیلگر فرآیندهای ترمیمی و فرهنگی است (Buller, 2019).

۴-۶- وضعیت ایران: امکان و ضرورت بازتعریف نقش قاضی
در نظام قضایی ایران، قاضی در فرآیند دادرسی نقش محوری و حاکمیتی دارد، اما در سازوکارهای صلح و سازش، معمولاً نقش او پس از حصول توافق ظاهر می‌شود، آن هم صرفاً برای تأیید و صدور رأی براساس توافق طرفین. در فرآیندهای شبه‌قضایی مانند شوراهای حل اختلاف یا داوری، نیز حضور قضات محدود یا کاملاً غایب است.

توضیح بیشتر این‌که در نظام حقوقی ایران، حضور قاضی در فرآیندهای ترمیمی فاقد نقش خلاقانه یا فرهنگی است، درحالی‌که قضات کانادایی نه‌تنها مجری قانون، بلکه طراح فرآیند ترمیم و تسهیلگر مشارکت جمعی‌اند. تجربه کانادا به‌ویژه در استفاده از حلقه‌های صدور حکم و دادگاه‌های شفاف‌بخش نشان می‌دهد که ورود خلاقانه قاضی می‌تواند عدالت را انسانی‌تر، مردمی‌تر و مؤثرتر کند. با این حال، نظام قضایی ایران، با الهام از تجربه کانادا، می‌تواند حضور قضات مستقل را در پرونده‌های خاص عدالت ترمیمی پیش‌بینی و تسهیل کند. این مشارکت می‌تواند در قالب‌های زیر نهادینه شود:

- تشکیل کمیته‌های ترمیمی با حضور قضات داوطلب، برای رسیدگی به جرایم خاص مانند خشونت خانوادگی یا جرایم نوجوانان؛

- تعیین قاضی ناظر بر توافقات میانجی‌گری برای تضمین انطباق با اصول عدالت، کرامت بزه‌دیده و منافع عمومی؛

- آموزش قضات در حوزه عدالت ترمیمی و تبیین نقش غیررسمی آنان در فرآیند ترمیم.

سیاست‌های کلان عدالت کیفری، پرهیز از تسلط نهادهای اداری یا امنیتی بر فرآیندهای ترمیمی و حفظ استقلال فرآیند اشاره نمود.

در کانادا، حضور قضات در فرآیند ترمیمی، به‌معنای ورود آنان در مقام داور نیست، بلکه نوعی مشارکت سازنده برای ارتقای کیفیت توافق و جلوگیری از صورتی شدن فرآیند است (Daly, 2016: 10; Gresson, 2018: 25).

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که از دهه ۹۰ میلادی، به‌ویژه از سال ۲۰۱۵ به بعد، قضات ایالت ساسکاچوان نقش فعالی در توسعه حلقه‌های صدور حکم^۱ ایفا کرده‌اند. برخی قضات جلساتی را با حضور متهم، بزه‌دیده، اعضای جامعه محلی، مشاوران و ریش‌سفیدان برگزار می‌کردند که در آن به جای صدور حکم صرف، گفتگوی باز درباره آسیب، مسؤولیت‌پذیری و راه‌های جبران انجام می‌شد. این مدل به‌ویژه در جوامع بومی مؤثر واقع شده و قضات در این فرآیند نقش تسهیلگر تعامل فرهنگی و حقوقی را دارند (Tenold, 2025).

۲-۶- پرونده R. v. Chakasim

در سال ۲۰۲۴، قاضی جان در یکی از دادگاه‌های تورنتو با پرونده‌ای مواجه شد که در آن زنی بومی به نام **جاناتا چاکاسیم** به اتهام پرتاب بطری و توهین به مأمور امنیتی در یک مرکز خرید متهم شده بود. متهم دچار اختلال الکلی (FASD) بود و شرایط آسیب‌پذیری خاصی داشت، درحالی‌که دادستان و وکیل مدافع توافقی سنتی برای مجازات حبس همراه با آزادی مشروط ارائه داده بودند، قاضی تصمیم گرفت به‌جای آن به دلایل زمینه‌ای و ترمیمی توجه کند. او از متهم خواست با سازمان‌های بومی همکاری کند و سوابق کیفری را مشروط به تکمیل این فرآیند پاک کرد. این تصمیم بر پایه اصول عدالت ترمیمی بود و قاضی از اختیارات خود برای اولویت‌دادن به بازپروری و ترمیم اجتماعی استفاده کرد (Hill, 2024).

۳-۶- Aboriginal Family Healing Court

در بریتیش کلمبیا، قاضی به‌عنوان نخستین زن بومی در این مقام، نقش کلیدی در بنیان‌گذاری دادگاه‌های Healing

^۱ - Sentencing Circles

این تغییر نقش، مستلزم بازنگری در آیین دادرسی، تغییر نگرش سازمانی و ارتقای دانش تخصصی قضات است، اما در بلندمدت می‌تواند به افزایش کیفیت رسیدگی، اعتماد اجتماعی به عدالت و کاهش بوروکراسی قضایی منجر شود.

نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی، با اتکا به رویکردی انسانی، مشارکتی و بزه‌دیده‌محور، پاسخی متفاوت به مسأله جرم و پیامدهای آن ارائه می‌دهد. این الگو نه تنها در پی کیفر دادن مجرم نیست، بلکه هدف اصلی آن ترمیم آسیب، بازسازی روابط و بازیابی اعتماد اجتماعی است. تجربه موفق کشور کانادا در این حوزه، از جمله در بهره‌گیری از فناوری‌های نو، طراحی سازوکارهای پاسخ سریع، مشارکت فعال نهادهای قضایی، پرداخت معوضه و نظارت تخصصی، الگویی کارآمد برای تحول در سیاست جنایی به‌شمار می‌رود.

نظام حقوقی ایران، هرچند در سطح نظری و فرهنگی ظرفیت‌هایی برای پذیرش این الگو دارد، اما هنوز زیرساخت‌های قانونی، نهادی و آموزشی لازم برای اجرای ساختاریافته آن فراهم نشده است. شواهد موجود از تجربه دوران کرونا، شوراهای حل اختلاف، نقش سنتی صلح در فرهنگ اجتماعی و نگاه فقهی به رضایت بزه‌دیده، همگی مؤید وجود بستری قابل ارتقا برای اجرای عدالت ترمیمی در ایران هستند.

با این حال، تحقق این هدف، مستلزم اصلاحات چندسطحی است: از بازتعریف نقش دادستان و قاضی در فرآیند ترمیمی تا ایجاد نهادهایی برای پرداخت معوضه و طراحی سامانه‌های داوری آنلاین و همین‌طور تشکیل کمیته‌های ناظر بر این فرآیندها به‌طور مستقل.

درنهایت، مسیر رسیدن به عدالت واقعی، نه از مسیر افزایش مجازات، بلکه از راه تقویت گفتگو، احترام به کرامت انسان و بازسازی اعتماد اجتماعی می‌گذرد. اگر عدالت ترمیمی را نه به‌مثابه جایگزین، بلکه به‌عنوان تکمیل‌کننده عدالت کیفری ببینیم، آن‌گاه این الگو می‌تواند بخشی از تحول در سیاست جنایی ایران را رقم بزند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: انفرادی.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- زهر، هوارد (۱۳۸۳). کتاب کوچک عدالت ترمیمی. ترجمه حسین غلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- غلامی، حسین (۱۳۹۳). عدالت ترمیمی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- قوه قضاییه (۱۳۹۹). سند تحول قضایی. تهران: مرکز مطالعات راهبردی قوه قضاییه.
- قوه قضاییه (۱۴۰۰). گزارش عملکرد فناوری اطلاعات در سال کرونا. تهران: مرکز آمار و فناوری اطلاعات.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۳). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». *مجله الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های حقوقی)*، ۳(۳): ۳۸-۳.

ب. منابع انگلیسی

- Braithwaite, J (1999). "Restorative Justice: Assessing Optimistic and Pessimistic Accounts". *Crime and Justice*, 25: 1-127.
- Buller, MR (2019). *Aboriginal Family Healing Court*. In: Wikipedia. Available at: https://en.wikipedia.org/wiki/Marion_Buller.
- Chartrand, L & Horn, K (2016). *A Report on the Relationship between Restorative Justice and Indigenous Legal Traditions in Canada*. Available at: <https://efaidnbmnnnibpcajpcglclefi>

- Nayerahmadi, A & Ben-Ishai, S (2019). "Over-Indebted Criminals in Canada". *Manitoba Law Journal*, 42(4): 113-132.
- Peters, S (2021). "The Evolution of Alternative Dispute Resolution and Online Dispute Resolution in the European Un". *CES Derecho*, 12(1): 3-17.
- Roach, K (2000). "Changing Punishment at the Turn of the Century: Restorative Justice on the Rise". *Canadian Journal of Criminology*, 42(3): 249-270.
- Roach, K (2020). *Canadian Justice, Indigenous Injustice: The Gerald Stanley and Colten Boushie Case*. Montreal: McGill-Queen's University Press.
- Tenold, D (2025). "A Brief History of Sentencing Circles in Saskatchewan". *Legal Aid Saskatchewan*, Available at: <https://legalaid.sk.ca/2025/02/06/a-brief-history-of-sentencing-circles-in-saskatchewan>.
- Tomporowski, B (2014). Restorative Justice and Community Justice in Canada. *Restorative Justice*, 2(2): 218-224.
- Truth and Reconciliation Commission of Canada (2015). *Truth and Reconciliation Commission of Canada*. House of Commons.
- Umbreit, M & Armour, MP (2010). *Restorative Justice Dialogue: An Essential Guide for Research and Practice*. New York: Springer Publishing Company.
- Wachtel, T (2016). *In Pursuit of Paradigm: A Theory of Restorative Justice*. Available at: <https://biblioteca.cejamerica.org/handle/2015/2163>.
- Waller, I (2010). *Rights for Victims of Crime: Rebalancing Justice*. Lanham, Maryland: Rowman & Littlefield Publishers.
- Zehr, H (2015). *Changing Lenses: A New Focus for Crime and Justice*. North Dakota: Herald Press.
- ndmkaj/<https://www.justice.gc.ca/eng/rp-pr/jr/rjilt-jrtja/rjilt-jrtja.pdf>.
- Daly, K (2016). "What is Restorative Justice? Fresh Answers to a Vexed Question". *Victims & Offenders*, 11(1): 9-29.
- Department of Justice Canada (2019). *Minister of Justice announces members of the Special Advisory Committee on Canada's System of Justice and Remedies for Victims of Sexual Misconduct*. Available at: https://www.justice.gc.ca/eng/nr/news-nouv/2019/doc_94358.html.
- Government of Nova Scotia (2020). *Increasing the Use of Restorative Justice in Criminal Matters in Canada - Baseline Report*. Public Safety Canada.
- Gresson, EM (2018). "Restorative Justice in Criminal Offending: Models, Approaches and Evaluation". *Int'l J. Therapeutic Juris*, 3: 1.
- Hill, JL (2024). "Here's what Happens When a Sentencing Judge Considers the Why and Not the What". *Law360 Canada*, Available at: <https://www.law360.ca/ca/articles/2326807>.
- Johnstone, G & Van Ness, DW (2007). *The Idea of Restorative Justice*. Handbook of Restorative Justice, Milton Park: Taylor & Francis.
- Katsh, E & Rabinovich-Einy, O (2017). *Digital Justice: Technology and the Internet of Disputes*. Oxford: Oxford University Press.
- Lo, A (2020). "Virtual Hearings and Alternative Arbitral Procedures in the COVID-19 Era: Efficiency, Due Process and Other Considerations". *Contemp Asia Arb J*, 13(1): 85-110.
- Maxwell, G & Morris, A (2006). "Meeting Human Needs: The Potential of Restorative Justice". *Justice as a Basic Human Need*, 71-84.
- McCall-Smith, K (2016). "United Nations Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (Nelson Mandela Rules)". *International Legal Materials*, 55(6): 1180-1205.
- Nagel, M & McLaren, MA (2024). *Tawennihake (Patrick Brown) Looking to Dignity and Experience: Reflections on Mechthild Nagel's Ludic Ubuntu Ethics*.